تأثیرپذیری از همسالان



خانواده نخستین و مهم‌ترین کانون پذیرش عاطفی نوجوان است و اگر این کانون از ایفای نقش خود بازماند، نوجوان ناگزیر برای جبران خلأ عاطفی و نیاز به پذیرش، به گروه همسالان پناه می‌برد و در دام تأثیرپذیری افراطی از آنان می‌افتد.

در دوره نوجوانی پیوند نوجوان با گروه همسالان فزونی می‌گیرد. همسالان، به سبب هم‌سن بودن و درک متقابل، نقشی مهم در شکل‌گیری ارزش‌ها و رفتارهای نوجوان ایفا می‌کنند؛ از این رو، تأثیرپذیری از آنان امری طبیعی و گریزناپذیر است.

اما همین تأثیرپذیری، اگر از حد اعتدال فراتر رود، می‌تواند زمینه‌ساز آسیب‌های اخلاقی و تربیتی شود و والدین را با چالشی جدی روبه‌رو کند. در نوشتار زیر راهکارهایی برای مواجهه درست با این مسئله ارائه شده است.

۱- بررسی ریشه‌ها و زمینه‌ها

به طور طبیعی، کودکان و نوجوانان از همسالان خود تأثیر می‌پذیرند و اصل تأثیرپذیری یا تأثیرگذاری، امری طبیعی است که از عضویت در گروه همسالان و اقتضائات سنی فرزندان نشئت می‌گیرد. با این حال، تأثیرپذیری بیش از حد از همسالان می‌تواند از یکسو به آسیب‌های اخلاقی و تربیتی بی‌انجامد، زیرا گروه‌های همسالان همواره از شرایط تربیتی مطلوب برخوردار نیستند و از سوی دیگر، نشانه وجود برخی عوامل و شرایط خاصی است که موجب تأثیرپذیری شدید او شده است.

در نتیجه والدین باید بکوشند دریابند که چرا فرزندشان تا این اندازه تحت تأثیر قرار می‌گیرد.

ممکن است این تأثیرپذیری ناشی از عزت نفس پایین و ترس از طرد شدن توسط دوستان باشد؛ در این حالت، فرزند می‌پندارد که باید با آنان هماهنگ شود و شرط این هماهنگی، پذیرش شرایط و رفتارهای آنان است و یا ممکن است علت آن، نداشتن مهارت‌های کافی ارتباطی باشد، یا آنکه در تصمیم‌گیری دچار مشکل باشد به گونه‌ای که در تصمیم‌گیری و رد نظر دیگران ناتوان باشد.

همچنین ممکن است علت آن، احساس کمبود عاطفی و عدم پذیرش در خانه و خانواده باشد. در هر حال، شناسایی علل تأثیرپذیری فرزند، یکی از اقداماتی است که با حذف آن علل می‌توان از شدت تأثیرپذیری او کاست.

قلب خالی و ضرورت آموزش باورهای دینی

کودک و نوجوان، قلبی خالی از دانش و معرفت دارد و از سوی دیگر در وجود او میل به حقیقت‌جویی نهفته است. پس کنجکاوی و تلاش برای فهمیدن و بهره‌مندی از دانش، جزو ذات اوست. از این رو، مستعد پذیرش افکار، اندیشه‌ها و باورهای دیگران است.

بنابراین، پیش از آنکه دیگران افکار و عقاید او را شکل دهند، شایسته است والدین در ساختن باورها و استحکام بخشیدن به آنها بکوشند. امام علی(ع) ـ به امام حسن(ع) ـ فرمود: « إنّما قَلْبُ الحَدَثِ كالأرضِ الخالِيةِ ما أُلقِيَ فيها مِنْ شَيءٍ قَبِلَتْهُ؛ دل نوجوان همچون زمین خالی است که هر چه در آن افکنده شود، می‌پذیرد.»[۱] بر این اساس، والدین باید به طور منظم در آموزش باورهای دینی و تقویت و تحکیم آن بکوشند تا خلأ عدم پذیرش آن، از جای دیگر پر نشود.

پذیرش در خانه و تقویت پیوند عاطفی

فرزندان نیازمند توجه به عواطف، احساسات و نظرات خود هستند؛ باید مورد احترام قرار گیرند، پذیرفته شوند و به نیازها، عواطف و افکارشان توجه شود.

اگر این توجه صورت نگیرد، ممکن است احساس طردشدگی کنند. در روایتی از امیرالمؤمنین علی(ع) آمده است: « مَنْ ضَيَّعَهُ الأَقْرَبُ أُتِيحَ لَهُ الأَبْعَدُ؛ کسی را که نزدیکانش واگذارند، بیگانه او را پذیرا می‌شود.»[۲]

روشن است که خانواده نخستین و مهم‌ترین کانون پذیرش عاطفی نوجوان است و اگر این کانون از ایفای نقش خود بازماند، نوجوان ناگزیر برای جبران خلأ عاطفی و نیاز به پذیرش، به گروه همسالان پناه می‌برد و در دام تأثیرپذیری افراطی از آنان می‌افتد.

پس والدین باید پیش از آنکه بیگانه جای خویشاوند را بگیرد، با پذیرش و توجه به عواطف و نظرات فرزند و ایجاد فضائی امن و بدون سرزنش، پیوند عاطفی خود را با او تقویت کنند؛ زیرا هر اندازه این پیوند استوارتر باشد، گرایش نوجوان به الگوگیری از همسالان و پذیرش باورها و رفتارهای آنان کمتر خواهد شد.

«پذیرش در خانه» نه‌تنها یک توصیه اخلاقی، بلکه راهبردی تربیتی و پیشگیرانه در برابر آسیب‌های ناشی از تأثیرپذیری افراطی از همسالان است.

یکی از مؤثرترین روش‌ها برای کاهش تأثیرپذیری افراطی فرزند از همسالان، توجه آگاهانه به گزینش دوستان و همسالانی است که با او مراوده دارند. ریشه تأثیرپذیری زیاد، در بسیاری از موارد، نه در ضعف شخصیت نوجوان، بلکه در کیفیت گروه همسالانی نهفته است که او با آنان پیوند دوستی دارد.

تقویت احساس عزت نفس؛ سپری در برابر تأثیرپذیری

عزت نفس، به‌مثابه سرمایه روانی نوجوان، نقشی بنیادین در مصون‌سازی فرد در برابر تأثیرپذیری افراطی از همسالان ایفا می‌کند. نوجوانی که خود را ارزشمند و توانمند می‌داند، برای پذیرفته شدن در گروه همسالان، به هم‌رنگی کورکورانه با آنان تن نمی‌دهد و زیر بار فشارهای گروهی نمی‌رود؛ در حالی که نوجوان فاقد عزت نفس، برای جبران احساس بی‌ارزشی، ناگزیر به تأییدطلبی از همسالان روی می‌آورد و شرایط و رفتارهای آنان را می‌پذیرد.

از همین رو، برخی اندیشمندان گفته‌اند: «با مکرم داشتن نفس است که تمام اخلاق مقدسه در انسان زنده می‌شود و تمام اخلاق رذیله از انسان دور می‌گردد.» [۳]

تحقیقات تجربی نیز نشان داده است احساس بی‌ارزشی عمیق یا فقدان عزت نفس، ریشه بسیاری از نابهنجاری‌های روانی است که در میان افراد دیده می‌شود.[۴]

وقتی احساس کرامت نفس در وجود فرد رشد کند و شکوفا شود، او از آنچه عامل پستی نفس است از جمله پذیرش افکار و اعمال ناشایست همسالان دوری می‌جوید و افزون بر آن، به انجام امور شریف و عزت‌مندانه مبادرت می‌ورزد.

گزینش همسالان و دوستان؛ کاستن از منابع تأثیرپذیری

یکی از مؤثرترین روش‌ها برای کاهش تأثیرپذیری افراطی فرزند از همسالان، توجه آگاهانه به گزینش دوستان و همسالانی است که با او مراوده دارند.

ریشه تأثیرپذیری زیاد، در بسیاری از موارد، نه در ضعف شخصیت نوجوان، بلکه در کیفیت گروه همسالانی نهفته است که او با آنان پیوند دوستی دارد؛ زیرا نوجوان به‌طور طبیعی در پی پذیرفته‌شدن در گروه همسالان است و برای حفظ این پذیرش، به‌تدریج باورها، ارزش‌ها و رفتارهای آنان را درونی می‌کند.

از این رو، هر اندازه گروه دوستان نوجوان از نظر اخلاقی و تربیتی شایسته‌تر باشند، شدت تأثیرپذیری منفی او کاهش می‌یابد و در مقابل، اگر گروهی که به آن گرایش دارد ناشایست باشد، همان نیاز طبیعی به پذیرش، او را به همرنگی با آنان وا می‌دارد. بنابراین، والدین باید پیش از آنکه پیوندهای دوستی نوجوان تثبیت شود، نسبت به شناخت دوستان او و گزینش همسالان اهتمام ورزند.

زمینه‌سازی برای معاشرت با همسالان شایسته

علاوه‌بر گزینش و بررسی همسالان و حذف یا ایجاد محدودیت برای معاشرت با همسالان نامناسب، لازم است زمینه‌های عملی معاشرت و دوستی با افرادی که از نظر اخلاقی و معنوی دارای صلاحیت و شایستگی‌اند، فراهم شود تا تأثیرپذیری مثبت در نوجوان شکل گیرد.

صرف توصیه به انتخاب دوست خوب کافی نیست؛ بلکه والدین باید شرایطی فراهم کنند که نوجوان بتواند با همسالان شایسته ارتباط واقعی برقرار کند. برای نمونه، می‌توانند زمینه رفت‌وآمد خانوادگی با خانواده‌هایی را که فرزندانشان از تربیت شایسته برخوردارند فراهم کنند، نوجوان را در فعالیت‌های گروهی، مذهبی، ورزشی و فرهنگی مفید و سالم ثبت‌نام کنند و او را با الگوهای عملی همسالان صالح آشنا سازند.

نتیجه

تأثیرپذیری نوجوان از همسالان، پدیده‌ای طبیعی و برخاسته از اقتضائات سنی اوست؛ اما هنگامی که از حد اعتدال فراتر رود، واکنشی آگاهانه و سنجیده از سوی والدین می‌طلبد.

بر این اساس، شایسته است نخست عوامل زمینه‌ساز و علل تأثیرپذیری افراطی (مانند عزت نفس پایین، ترس از طردشدن، عدم مهارت‌های ارتباطی، عدم پذیرش در خانه) ریشه‌یابی شوند؛ دوم، خلأ معرفتی نوجوان با آموزش و تقویت باورهای دینی پر شود؛ سوم، پذیرش عاطفی او در خانه و پیوند خانوادگی تقویت گردد؛ چهارم، عزت نفس به عنوان سپری در برابر فشارهای گروهی استوار شود؛ پنجم، دوستان به‌گونه‌ای آگاهانه گزینش و از منابع تأثیرپذیری منفی کاسته شود؛ و ششم، زمینه معاشرت با همسالان شایسته فراهم آید.

منابع جهت مطالعه بیشتر:

۱.نجفی محمد، مفهوم‌شناسی محیط در قرآن کریم و نقش تربیتی آن، پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۱۳۹۹.
۲.باقری، خسرو، نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، تهران، مدرسه، ۱۳۸۸.

پی‌نوشت‌ها:

۱- شریف‌الرضی، محمدبن حسین، نهج‌البلاغه، مصحح: صالح، صبحی، هجرت، قم، ۱۴۱۴ق، نامه ۳۱.
۲- شریف‌الرضی، همان، حکمت ۱۴.
۳- مطهری، مرتضی، حکمت‌ها و اندرزها، قم، اسرا، ۱۳۷۲، ص ۱۵۹.
۴- بابایی، نگار، تاثیر عزت نفس در زندگی، مشاوره مدرسه، ش ۱، پاییز ۱۳۸۵، صص۱۸-۲۱.

***روح‌الله شهریاری**

شبهه‌ها و پاسخ‌ها

قرآن گفتاری سنگین یا آسان؟



دو ویژگی «سنگین بودن» و «آسان بودن» در وصف قرآن، به دو جنبه متفاوت اشاره دارند؛ «قول ثقیل» از مبدأ سخن می‌گوید: این پیام از جانب خدا و از عالم وحی می‌آید و به همین دلیل سنگین و پرمایه است؛ اما «یسرنا القرآن للذکر» از مقصد سخن می‌گوید: این پیام برای هدایت و یادآوری انسان‌ها آمده و خدا آن را برای فهم و پندگیری آسان کرده است. همچون اقیانوس که هرچند خودش عمیق است، اما آب برداشتن از آن آسان است.

شبهه: در سوره مزمل، از قرآن به عنوان «سخن سنگین» یاد شده است؛ «إِنَّا سَنُلْقِی عَلَیْکَ قَوْلاً ثَقِیلاً» (مزمل/۵)، منظور از آن چیست؟ حکمت آن چیست؟ آیا با آیه «وَ لَقَدْ یَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّکْرِ؛ ما قرآن را برای یادآوری آسان ساختیم» (قمر/۱۷ و...) ناسازگار نیست؟

پاسخ: مطابق آیه ۵ سوره مزمل خداوند خطاب به پیامبرش فرموده است که ما بزودی «قول ثقیل» را بر تو نازل خواهیم کرد: «إِنَّا سَنُلْقِی عَلَیْکَ قَوْلاً ثَقِیلاً؛ به‌یقین ما بزودی گفتاری سنگین به تو القا خواهیم کرد.» منظور از «قول» در این آیه چیست؟ «ثقیل» بودن آن به چه معناست؟ اگر مراد از «قول» قرآن باشد، با آیه ۱۷ سوره قمر [۱] که از آسان بودن قرآن خبر داده، در تعارض نیست؟ در این نوشتار در مقام پاسخ به این پرسش‌ها هستیم.

منظور از «قول» در این آیه چیست؟

درباره اینکه منظور از «قول» در این آیه چیست، میان مفسران اختلاف است:

۱. اکثر مفسران معتقدند «قول» در این آیه، قرآن کریم است، البته برخی معتقدند که فقط بخشی از قرآن ثقیل است؛ نه همه آیات آن:

از برخی همچون ابن عباس نقل شده که منظور از «قول» در این آیه، سوره مائده از قرآن است که به یک باره نازل شد و در اثر نزول آن بر پیامبر خدا، کمر شتری که حضرت بر روی آن سوار بودند، خم شد؛[۲] برخی نیز معتقدند که منظور از قول ثقیلی که خدا در هنگام نزول این آیه، وعده آن را به پیامبر می‌دهد، آیات مرتبط با نصب امیرالمؤمنین(ع) به خلافت و امامت در غدیر خم است؛[۳] به باور برخی دیگر نیز فقط آیات پیرامون قیامت «قول ثقیل» می‌باشند؛ چراکه تنها چیزی که در قرآن از آن با صفت «ثقیل» توصیف شده، روز قیامت است: [۴] «إِنَّ هؤُلاءِ یُحِبّونَ الْعاجِلَةَ وَ یَذَرُونَ وَراءَهُمْ یَوْماً ثَقِیلاً؛ [۵] بی‌تردید اینان [که گنه‌کار و ناسپاسند] دنیای زودگذر را دوست دارند و روز سختی را که پیش رو دارند، وامی گذارند.»

۲. برخی احتمال داده‌اند منظور از «قول» در این آیه، ذکر «لا اله الا الله» باشد؛ [۶]

۳. نماز شب: احتمال دیگری است که در این زمینه مطرح شده است؛ [۷] چراکه آیه بعدی از وجوب نماز شب بر پیامبر خدا خبر داده است: «إِنَّ ناشِئَةَ اللَّیْلِ هِیَ أَشَدُّ وَطْئاً وَ أَقْوَمُ قِیلاً؛ [۸] بی‌تردید عبادت [ی که در دل] شب [انجام می‌گیرد] محکم‌تر و پایدارتر و گفتار در آن استوارتر و درست‌تر است.»

«ثقیل» بودن «قول» به چه معناست؟

همان‌طور که گذشت اکثر مفسران معتقدند منظور از «قول» در آیه پنجم سوره مزمل، قرآن کریم است؛ اما آنان درباره چرایی سنگینی قرآن با هم اختلاف نظر دارند:

۱. «ثقیل» به معنای سخت و دشوار:

قائلان به این قول امور مختلفی را به‌عنوان متعلق سختی مطرح کرده‌اند:

الف) نزول قرآن بر پیامبر سنگین بود و حضرت در هنگام دریافت آن، فشار زیادی را تحمل و مثلاً حتی در هوای سرد نیز عرق می‌کردند. چنان‌که کمر مرکب حضرت در اثر شدت فشار وارد‌شده بر پیامبر خم شد؛ [۹]

ب) عمل به آموزه‌های قرآن که شامل وعد و وعید، اوامر، نواهی، حدود، فرائض، منع از شهوات و... هست، سخت و سنگین است؛ [۱۰] به‌گونه‌ای که هیچ‌کس نمی‌تواند همه اوامر آن را انجام دهد، همه نواهی آن را ترک کند و همه حدود آن را حفظ کند، مگر با مشکل و سختی؛ [۱۱]

ج) تبلیغ قرآن به‌ویژه با توجه به خطراتی که داشت، بر پیامبر سنگین و سخت بود؛ [۱۲]

د) سنگینی قرآن ناظر به وزن و ارزش آن در سنجش اعمال انسان در قیامت است. [۱۳] به بیان ساده‌تر، قرآن و عمل به تعالیم آن، چنان ارزشمند است که در میزان اعمال اخروی، وزنی سنگین خواهد داشت؛

ه) قرآن هم بر پیامبر و هم بر اصحاب سنگین بود؛ سنگینی قرآن بر پیامبر از جهت تبلیغ آن و بر اصحاب از جهت عمل به آن بود؛ [۱۴]

و) قرآن هم از جهت دریافت وحی و هم از جهت تبلیغ آن، بر پیامبر سخت بود؛ [۱۵]

ز) سنگینی قرآن متوجه کافران است؛ زیرا نادانی، گمراهی، حماقت و زشتی کارهای آنان را آشکار می‌کرد و به همین دلیل، بر آنان سنگین بود؛ [۱۶]

۲. «ثقیل» به معنای کریم و ارجمند [۱۷]:

مطابق این دیدگاه منظور خداوند از ثقیل بودن قرآن این است که مطالب بیان شده در آن، حرف‌های سبک و پست و ناچیز و بی‌ارزش نیست؛ بلکه ارزشمند است؛ [۱۸]

۳. «ثقیل» به‌معنای «وزین،» «عظیم» و ارزشمند:

مطابق این قول، قرآن سخنی محکم و متین است و از جهت درستی، طرز بیان و مفید بودن، دارای وزن می‌باشد؛ [۱۹]

۴. «ثقیل» به معنای ثابت و پابرجا و استوار:

چراکه وقتی چیزی سنگین باشد، در جای خود ثابت باقی می‌ماند. منظور این است که اعجاز قرآن برای همیشه ثابت خواهد بود و هیچ‌گاه زائل نمی‌شود. [۲۰]

قرآن؛ گفتاری سنگین یا آسان؟

قرآن، سخنی سنگین و در عین حال آسان است:

۱.خواندن و فهمیدن قرآن آسان، اما عمل کردن به آن سنگین است؛ [۲۱]

۲.قرآن برای کافران و منافقان و گناهکاران به سبب آیاتی همچون آیات جهاد، سنگین، اما برای مسلمانان و مؤمنان آسان است؛ [۲۲] قرائت قرآن بر زبان و همچنین پندگرفتن از آن آسان، اما ثواب آن در حساب روز قیامت، سنگین است؛ [۲۳] قرآن از نظر معنا، فهم و به خاطر سپردن، سخنی آسان است؛ اما محتوا، چگونگی دریافت و ابلاغ آن و همچنین اجرای تعالیم آن، سنگین است؛ [۲۴] مراد از قول ثقیل، سنگینی قرآن بر پیامبر از جهت سختی ابلاغ آن و سنگینی آن بر امت از جهت پیروی از اوامر و نواهی قرآن است؛ اما مراد از «تیسیر قرآن» مطابق بودن آن با فطرت آدمی است. [۲۵]

به بیان دیگر، دو ویژگی «سنگین بودن» و «آسان بودن» در وصف قرآن، به دو جنبه متفاوت اشاره دارند؛ «قول ثقیل» از مبدأ سخن می‌گوید: این پیام از جانب خدا و از عالم وحی می‌آید و به همین دلیل سنگین و پرمایه است؛ اما «یسرنا القرآن للذکر» از مقصد سخن می‌گوید: این پیام برای هدایت و یادآوری انسان‌ها آمده و خدا آن را برای فهم و پندگیری آسان کرده است. همچون اقیانوس که هرچند خودش عمیق است، اما آب برداشتن از آن آسان است.

نتیجه

۱.منظور از «قول» در آیه پنجم سوره مزمل به باور اکثر مفسران، «قرآن» است؛

۲. لزومی ندارد سنگین بودن قرآن فقط از یک جهت باشد و می‌تواند قرآن از جهات مختلفی همچون دریافت آن از خداوند، ابلاغ آن به مردم و عمل کردن به آموزه‌های آن، سخت و سنگین باشد؛ چنان‌که می‌تواند معنای مجازی «ثقیل» اراده شده باشد و منظور از سنگینی قرآن، وزین، ارزشمند و ثابت بودن محتوای آن باشد؛

۳. سنگین بودن قرآن در این آیه با آسان بودن آن در آیاتی همچون آیه ۱۷ سوره قمر منافاتی ندارد؛ چراکه قرآن از جهات دریافت، ابلاغ و عمل کردن، سخت و سنگین، اما از جهت دیگری که قرائت و فهمیدن و پندگرفتن از آن باشد، آسان است.

برای مطالعه بیشتر:

- محمدی، مجید و صاحبه‌السادات حواسی ابدالانی، «نگرشی نو بر مصادیق «قولا ثقیلا» در قرآن»، مجله کوثر، بهار ۱۳۹۵ ش، ش ۵۷، صص ۱۸۳-۱۹۸.

پی‌نوشت‌ها:

۱. «وَ لَقَدْ یَسَّرْنَا الْقُرْآنَ لِلذِّکْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَّکِرٍ؛ و یقیناً ما قرآن را برای پندگرفتن آسان کردیم، پس آیا پندگیرنده‌ای هست؟»
۲. قشیری، عبدالکریم بن هوازن، لطائف الإشارات، قاهره، الهیئه المصریه العامه للکتاب، چاپ سوم، ۲۰۰۰ م، ج ۳، ص ۶۴۲.
۳. قشیری، عبدالکریم بن هوازن، لطائف الإشارات، قاهره، الهیئه المصریه العامه للکتاب، چاپ سوم، ۲۰۰۰ م، ج ۳، ص ۶۴۲.
۴. ماتریدی، محمد، تأویلات أهل‌السنه، چاپ اول، بیروت، دارالکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۲۶ ق، ج ۱۰، ص ۲۷۰.
۵. مزمل، آیه ۶.
۶. طیب، عبدالحسین، أطیب‌البیان، تهران، انتشارات اسلام، چاپ اول، ۱۳۷۸ ش، ج ۱۳، ص ۲۴۸. ۷. محمدی، مجید و صاحبه‌السادات حواسی ابدالانی، «نگرشی نو بر مصادیق «قولا ثقیلا» در قرآن»، مجله کوثر، بهار ۱۳۹۵ ش، ش ۵۷، صص ۱۸۳-۱۹۸.
۸. انسان، آیه ۲۷.
۹. عاشور، علی، تفسیر امیرالمؤمنین للقرآن‌الکریم، بیروت، مرکزالشرق الأوسط‌الثقافی، چاپ اول، ۱۴۲۹ ق، ج ۸، ص ۲۳۵؛ صنعانی، عبدالرزاق بن همام، تفسیرالقرآن العزیزالمسمی تفسیر عبدالرزاق، بیروت، دارالمعرفه، چاپ اول، ۱۴۱۱ ق، ج ۲، ص ۲۶۰؛ جعفری، یعقوب، تفسیر کوثر، قم، انتشارات هجرت، چاپ اول، ۱۳۷۶ ش، ج ۱۲، ص ۸۹.
۱۰. مقاتل بن سلیمان، تفسیر مقاتل بن سلیمان، بیروت، دار إحیاءالتراث العربی، چاپ اول، ۱۴۲۳ ق، ج ۴، ص ۷۵؛ هواری، هود بن محکم، تفسیر کتاب‌الله العزیز، الجزایر، دارالبصائر، چاپ اول، ۱۴۲۶ ق، ج ۴، ص ۳۸۷.
۱۱. طبرانی، سلیمان بن احمد، التفسیرالکبیر: تفسیرالقرآن‌العظیم، اربد اردن، دارالکتاب‌الثقافی، چاپ اول، ۲۰۰۸ م، ج ۶، ص ۳۷۱؛ تأویلات أهل السنه، ج ۱۰، ص ۲۷۰.
۱۲. ماتریدی، محمد، تأویلات أهل‌السنه، چاپ اول، بیروت، دارالکتب‌العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۲۶ ق، ج ۱۰، ص ۲۷۰.
۱۳. واحدی، علی بن احمد، التفسیرالبسیط، عربستان، وزارةالتعلیم‌العالی، چاپ اول، ۱۴۳۰ ق، ج ۲۲، ص ۳۵۳.
۱۴. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع‌البیان، تهران، ناصرخسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲ ش، ج ۱۰، ص ۵۷۰.
۱۵. جعفری، یعقوب، تفسیر کوثر، قم، انتشارات هجرت، چاپ اول، ۱۳۷۶ ش، ج ۱۲، ص ۸۹.
۱۶. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع‌البیان، تهران، ناصرخسرو، چاپ سوم، ۱۳۷۲ ش، ج ۱۰، ص ۵۷۰.
۱۷. زید بن علی، تفسیر غریب‌القرآن، بیروت، الدارالعالمیه، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق، ج ۱، ص ۳۵۲؛ سدی، اسماعیل، تفسیرالسدی الکبیر، منصوره مصر، دارالوفاء، چاپ اول، ۱۴۱۴ ق، ج ۱، ص ۴۶۵.
۱۸. فراء، یحیی بن زیاد، معانی‌القرآن، قاهره، الهیئه المصریه العامه للکتاب، چاپ دوم، ۱۹۸۰ م، ج ۳، ص ۱۹۷.
۱۹. زجاج، ابراهیم بن سری تهذیب معانی القرآن و إعرابه، بیروت، المکتبه‌العصریه، چاپ اول، ۱۴۲۷ ق، ج ۵، ص ۲۳۰؛ تلخیص‌البیان فی مجازات‌القرآن، ج ۱، ص ۳۵۱؛ فخر رازی، محمد، مفاتیح‌الغیب (التفسیرالکبیر)، بیروت، دار احیاء التراث‌العربی، چاپ سوم، ۱۴۲۰ ق، ج ۳۰، ص ۶۸۳.
۲۰. ماوردی، علی بن محمد، النکت و العیون تفسیرالماوردی، بیروت، دارالکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، چاپ اول، بی‌تا، ج ۶، ص ۱۲۷.
۲۱. طبری، محمد بن جریر، جامع‌البیان (تفسیرالطبری)، بیروت، دارالمعرفه، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق، ج ۲۳، ص ۳۶۵.
۲۲. ماتریدی، محمد، تأویلات أهل‌السنه، چاپ اول، بیروت، دارالکتب‌العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، ۱۴۲۶ ق، ج ۱۰، ص ۲۷۰.
۲۳. ثعلبی، احمد بن محمد، الکشف و البیان (تفسیر ثعلبی)، بیروت، دار إحیاءالتراث‌العربی، چاپ اول، ۱۴۲۲ ق، ج ۱۰، ص ۶۰؛ قطب، سید، فی ظلال‌القرآن، بیروت، دارالشروق، چاپ ۳۵، ۱۴۲۵ ق، ج ۶، ص ۳۷۴۵.
۲۴. صادقی تهرانی، محمد، الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه، قم، فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۰۶ ق، ج ۲۹، ص ۲۱۳.
۲۵.اخوان مقدم، زهره و منصوره غلامرضایی، «تحلیل وصف ثقیل و مقایسه آن با تیسیر قرآن»، سومین کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ۱۳۹۶ ش.

***هادی غلامرضایی**

لزوم دسترسی نظام اسلامی به دانش هسته‌ای و ساختن بمب اتمی

انجام دادن برخی از واجبات کفایی، مشروط به فرا گرفتن یک سلسله معلومات بسیار زیادی است؛

بنابراین باید آن معلومات را به دست آورد.

به عنوان مثال قرآن می فرماید: «وَأَعِدّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِباطِ الْخَیْلِ...» (انفال/۶۰)

در مقابل دشمن تا آخرین حد امکان نیرو تهیه کنید.

زمانی بود که چهارتا آهنگر می‌توانستند آن وسایل نیرو را با همان معلومات تجربی زمان خودشان تهیه کنند.

ولی یک زمان دیگر انجام این وظیفه معلومات بسیاری می‌خواهد، علم ساختن بمب اتمی هم لازم است.پس برای آنکه آن وظیفه انجام داده شود واجب است که این [مبحث] هم خوانده شود.

[شاید بگویید] مگر پیامبر گفت: ایهاالنّاس! بروید اتم‌شناسی یاد بگیرید، تا ما امروز یاد بگیریم؟

می‌گوییم پیغمبر چنین چیزی نگفته، لازم هم نبوده بگوید ولی پیغمبر چیزی گفته که اگر بخواهیم به آن عمل کنیم باید این مقدمه را هم انجام بدهیم، چون روح این حکم آن است.

***مجموعه آثار استاد شهید مطهری؛ ج۲۱؛ ص۳۲۹- با ویرایش**

مقام قدسی فاطمه (س) و مسئله «فدک»

یادم هست از وقتی بچه بودم گاهی می‌دیدم بعضی افراد برایشان یک شبهه پیدا می‌شود که چرا حضرت زهرا(س) با آن مقام عصمت و قداست رفت در مسجد پیغمبر و از مسئله فدک دفاع کرد، در حالی که آنها کسانی بودند که: «وَ یُطْعِمونَ الطَّعامَ عَلی حُبِّهِ مِسْکیناً وَ یَتیماً وَ اسیراً. انَّما نُطْعِمُکُمْ لِوَجْهِ اللهِ » (انسان:۸ و ۹)

یا علی(ع) خودش می فرماید:

«وَ ما اصْنَعُ بِفَدَکَ وَ غَیْرِ فَدَکَ؛ مرا با فدک و غیر فدک چه کار؟ (نهج‌البلاغه، نامه ۴۵)

و به قول شاعر فارسی:

آن که رست از جهان فدک چه کند
آن که جست از جهت فلک چه کند

بعد رسیدم به اینجا که دو مسئله است: رفتن دنبال حق مغصوب برای نجات دادن حق، یک مسئله است، یک ارزش بسیار عالی اسلامی و انسانی است و رفتن برای اینکه گرسنه مانده‌ام، می‌خواهم شکمم را سیر کنم که صرفاً انگیزه حیوانی داشته باشد مسئله دیگری است. اگر صرفاً مسئله سیر شدن شکم باشد بله مسئله مهمی نیست.

چنین انسان‌هایی که در حالی که گرسنه هستند آنچه دارند به دیگران می‌دهند آنجا هم می‌گفتند مال دیگران است...

گاه من مال و ثروت دارم، ایثار می‌کنم، حق خودم را خودم می‌دهم و به دیگری ایثار می‌کنم؛ ارزش این کار [محفوظ است.]

یک وقت حق من را دیگری به زور می‌گیرد، اینجا اگر حقم را نگیرم ضدارزش است، اگر بگیرم ارزش است.

دنبال حق رفتن، ارزش است..

***مجموعه آثاراستاد شهید مطهری، ج۲۴، ص: ۳۶۰-با ویرایش**